یادداشت: آمریکا به دنبال چیست؟ (تحریم یا توسعه تجارت جهانی)

پس از متلاشی شدن رژیم کمونیستی سابق شوروی، امریکا که با کمک کشورهای غربی یا هم‏پیمانان خود 74 سال برای برافکندن آن رژیم و گاه هزینه‏های‏ سنگین کرده بود،سرشار از غرور و نخوت،خود را مالک‏ الرقاب جهان بحساب آورد و پنداشت هرچه بخواهد می‏تواند انجام دهد و هیچ قدرتی در برارش قد علم‏ نمی‏کند.اتحاد دوباره آلمان را نتیجه مجاهدات خود میدانست و اروپای شرقی از بندرسته را سپاسگزار همیشگی خود بحساب می‏آورد.کشورهای جدا شده از روسیه سابق را حامی خود فرض می‏کرد و در مورد روسیه‏ چنان می‏پنداشت که همه مردم آن کشور تا ابد زیر بار منت امریکا خواهند بود.اعراب را با بازیچه اسرائیل‏ و عروسک خیمه شب‏بازی بنام صدام سرگرم ساخته بود.

در چنین جوی صحبت از دهکده بزرگ جهانی مطرح‏ گردید.دهکده‏ای که طبعا کدخدای آن می‏بایست امریکا باشد.ماجرای دو دوست را بیاد می‏آورد که دم از دوستی بی‏ حدوحصر می‏زدند تا آنجا که یکی از آنها گفت ما دو نفر در حکم فرد واحدی هستیم.منتها آن فرد من هستم!

دهکده جهانی و کدخدائی امریکا چیزی جز این نبود. خیلی زود در برابر جامعه اروپا،منطقه آزاد تجاری امریکای‏ شمالی(نفتا)بوجود آمد.گات در شکل سازمان تجارت‏ جهانی عرض اندام کرد.ظاهر قضیه این بود که تجارت‏ جهانی و منطقه‏ای توسعه یابد،تجارت بر کنار از روابط سیاسی ملتها راه پیشرفت را ادامه دهد و اقتصاد جهانی‏ شکوفا شود.

اما امریکا خیلی زود نیات ناصواب خود را آشکار کرد. تحریم یکجانبه اقتصادی ایران،پس از آنهمه لطمات که‏ در جنگ هشت ساله عراق علیه ایران از سوی امریکا به‏ ایران وارد شد،نشان داد که خصومت امریکا با ایران ریشه‏ در حکومت اسلامی ایران دارد و در حقیقت امریکا می‏کوشد تا پرچمدار جنگ صلیبی دیگری علیه ایران اسلامی‏ و کشورهای مسلمان شود.

امریکا از تمام کشورهای جهان خواست به تحریم آن‏ کشور علیه ایران ملحق شوند که جز رژیم اشغالگر قدس، هیچ کشور دیگری به امریکا نپیوست.از جمله کانادا که‏ روزانه حدود یک میلیارد دلار دادوستد با امریکا دارد و 75 درصد تجارت خارجی آن کشور با امریکاست،جزو اولین‏ کشورهائی بود که رسما اعلام کرد در تحریم اقتصادی‏ امریکا علیه ایران شرکت نخواهد کرد.امریکا،در اقدام‏ نسنجیده خود تنها ماند-با اینهمه حس کینه‏توزی‏ بی‏منطق زمامداران آن کشور،دو اقدام خفت‏بار دیگر در پی‏ داشت.نخست آنکه تصمیم گرفته شد 20 میلیون‏ دلار برای خرابکاری در ایران،در بودجه سالانه آن‏ کشور منظور شود که این امر نفرت جهانیان را برانگیخت‏ و آنرا خرابکاری رسمی یک ابر قدرت در یک کشور مستقل‏ دانستند.

عکس العمل منفی این اقدام،کاخ سفید را بر آن داشت‏ تا گام نسنجیده دیگری را بردارد که این بار همه دنیای‏ تجارت و اقتصاد را به عکس العمل در مقابل امریکا واداشت‏ و آن گسترش دامنه تحریم آمریکا به شرکتهای خارجی‏ بود که با ایران دادوستد و مراوده اقتصادی و همکاریهای فنی‏ داشتند.

ریشه این اقدام اخیر در این واقعیت نهفته بود که امریکا سخت نگران بود اندک‏اندک دیگر کشورها و شرکتها جای‏ خالی امریکا را در ایران پر کنند و این کشور برای همیشه‏ بازار ایران و به تبع آن بازار منطقه را از دست بدهد.خصوصا آنکه تکمیل حلقه زنجیر راه آهن ابریشم که به محور طلائی مشهود شده است،موقعیت فوق ممتازی به ایران‏ بخشیده است.

امریکا که فکر می‏کند عامل اصلی تجزیه شوروی سابق‏ است،حالا می‏بینید که بهره‏بردار واقعی از وجود کشورهای‏ مستقل ماوراء النهر باستانی و کشورهای ماوراء قفقاز،ایران‏ اسلامی است.

به هر صورت تصمیم اخیر امریکا برای کشورهای صنعتی‏ بقدری ناخوش آیند و موهن بود که در کنفرانس گروه هفت‏ بعلاوه روسیه که اخیرا برگزار شد،یکصدا علیه اقدام امریکا اعتراض شد.جالب اینجاست که گذشته از اتاق بازرگانی‏ بین المللی که در این راه مردانه قد علم کرد،سازمانهای‏ خصوصی تجاری داخل امریکا نیز علیه تصمیم نسنجیده‏ و غیرعقلائی کلینتون و کنگره امریکا،زبان به اعتراض‏ گشودند.

رویای دهکده بزرگ جهانی با کدخدائی امریکا،ناگهان‏ درهم ریخت و عامل این درهم ریختگی هم خود امریکا بود که تصور می‏کرد با محو کمونیسم و پس از شکست عراق‏ در جنگ با کویت در اوج قله افتخار قرار گرفته است.

اینک امریکا بر سر چند راهی حیرت و بی‏تصمیمی‏ قرار گرفته است.مسائل بزرگ جهانی از جمله قدرت قابل‏ ملاحظه کمونیستها در روسیه،پیشرفت اتحادیه‏ اروپا،توسعه مذهب‏گرائی در جهان-خاصه در جهان‏ اسلام،علی الخصوص در امریکا،جنگهای منطقه‏ای‏ در قسمتهائی که تاکنون امریکا آنها را جزو حوزه نفوذ اقتصادی خود می‏پنداشت،به بازی نگرفتن آن‏ کشور در ایفای نقشهای اقتصادی و بازرگانی جهانی چهره‏ ناخوش‏آیندی از امریکا به جهان عرضه کرده است.

آنچه امریکا را بیش از همه آزار می‏دهد این است که‏ می‏بیند ایران اسلامی راه توسعه و پیشرفت‏ خود را با استحکام و صلابت ادامه می‏دهد و هر روز همکاریهای بین المللی خود را توسعه می‏بخشد.

در حقیقت آنکه منزوی شد ایران اسلامی نبود،امریکا بود.